

زن و پارلمان در افغانستان

زنان افغانستان از آغازین سالهای استرداد استقلال افغانستان یعنی زمان زمامداری غازی امیر امان الله خان در مکاتب رسمی دولتی به فراگیری تعلیم آغاز نمودند و برای آموزش تحصیلات عالیه به کشورهای خارجی اعزام گردیدند. از همان زمان نیز نقش زنان در جامعه فعالیت‌ترشد، چنانکه در اجتماعات و گردهمایی‌های رسمی و غیررسمی حضور یافتند؛ به کار رسمی دولتی آغاز نمودند؛ به نشر جریده «ارشاد النسوان» دست یازیدند و تاحدودی از حقوق شهروندی خویش برخوردار شدند. این حقوق، در نظامنامه‌ها یا قوانین اساسی و خاص آن دوره تسجیل شده بود، اما این خوشبختی دیری نپایید و مداخلات بیگانه‌گان و بیگانه شده‌گان، این دولت نوپا و ترقیخواه را برافگند و کشور دستخوش اغتشاشات گردید. حکومت‌هایی که پس از آن بر سر کار آمد، زیر پوشش دروغین اسلام، بدترین جفاها را بر سر زنان آوردند و هر چه آزادی و حق که در زمان امانی داده شده بود را پس گرفته، زنان را در چهاردیواری خانه‌ها به بند کشیدند که سالهای دراز این وضعیت همچنان مسلط بود.

در دهه دموکراسی زمان محمد ظاهر شاه بود که به اساس قانون اساسی کشور به زنان بار دیگر حق تحصیل و کار در اجتماعات داده شد؛ مکاتب دخترانه گشایش یافت و آهسته آهسته دختران به دانشگاه‌ها راه یافتند و به حیث متخصصان و روشنفکران در جامعه جایگاه خویش را احراز نمودند. گرچه دامنه برخورداری ازین حق خیلی محدود بود و تا سالهای آخر زمامداری وی فقط تا

بعضی ولسوالیها رسیده بود، با آنهم سعادتى به شمار میآمد.

در دورهٔ جمهوری داودخان به ویژه در دورهٔ انقلاب ثور دامنۀ کارهایی که برای تأمین خوشبختی، رفاه، حقوق و آزادیهای مشروع زنان انجام گرفت، آنقدر گسترده است که ایجاد مقاله یی دیگر را مینماید، بناءً ازین دوره ها میگذریم و فقط به ذکر همین نکته بسنده مینماییم که در دورهٔ انقلاب ثور ساحه یی و اداره یی وجود نداشت که در آن زنان حضور گسترده و فعال نداشته باشند.

دو دولت پس از آن، زمان ایستایی فعالیتهای زنان در افغانستان بود و حکایات جنایات و ستمهای دورهٔ سیاه طالبانی همواره به تکرار گفته شده است و خود دختران و زنان افغانستان این ستمها و جنایات را نه فقط دیده و شنیده اند، بلکه با رگ رگ وجود خویش آن را حس کرده اند. بناءً ذکر محدودیتها و محرومیتهاى مطلق از همه حقوق اسلامى و انسانی زنان در این دو دوره را نیز لازم نمیدانم و یقین دارم که هر خوانندهٔ ارجمند این مقاله از آنها آگاهی کامل دارد.

با ذکر این نکات، میرسیم به موضوع فعالیتهای سیاسى زنان به ویژه نقش آنان در پارلمان و مبارزات پارلمانی کشور.

در پایانه های سلطنت درازمدت محمد ظاهر شاه بود که زنان تحصیل کرده و آگاه کشور به پارلمان راه یافتند و به حق که حضور درخشانی را ازخود بروز دادند. گرچه این حضور از نظر کمی در حدی نبود که ما را قانع کند، اما از نظر کیفی واقعاً چشمگیر بود و جای مباهات است در دور دوازدهم و سیزدهم شورای ملی افغانستان تعدادی زن سرشناس، متعهد به آرمانهای مقدس زنان و زحمتکشان مظلوم، به اثر مبارزات سالم انتخاباتی به پارلمان راه یافتند و حقا که با سخنرانیهای پرشور و مستدل و موضعگیریهای سالم

و سنجیده در مسایل ملی و بین المللی و پارلمانی، از حق مظلومان جامعه دفاع کردند. ناگفته نگذاریم که در همین دوره نیز بعضی از زنان به حمایت مردان مقتدر خانواده یا اقوام ذینفوذ خویش به پارلمان راه یافتند و بعضی نیز از طریق احزاب سیاسی معرفی گردیده، به حمایت مردان و زنان احزاب مربوط خویش به پیروزی رسیدند، اما البته که زنان پارلمان عضو احزاب سیاسی برگزیده‌ترین چهره های فعال، آگاه، رسالتمند، صادق به خط مشی حزب، رزمنده ترین فرد در راه برقراری عدالت اجتماعی بودند و شایسته‌گی، تقوی، آگاهیهای سیاسی و علمی شان نزد مردم و به ویژه اعضای حزب مبرهن بود.

با تأسف باید گفت که در همان دوره درخشان شورای ملی نیز عده‌یی وکیل با تمایلات و تعصبات خشک قومی، دینی و اسلامی موجود بودند که همواره در جهت مقابل موضعگیریهای روشن‌اندیشان، به ویژه زنان قرار می‌گرفتند و مخالفت خویش را نه فقط با گفتن الفاظ و سخنان زشت و دور از اخلاق و کرامت انسانی ابراز مینمودند، بلکه گاهی با ضرب و شتم و حملات مستقیم فیزیکی، دشمنی خویش را نسبت به زن و قشر آگاه جامعه مینمایاندند.

زنان در پارلمان 12 و 13 با ایفای متعهدانه و ظایف و رسالتهای خویش، توانستند در بیداری، آگاهی، سمتدهی و انگیزش جسارت زنان نقش مؤثر و سازنده را ایفا نمایند و برای آینده گان راه را هموار سازند.

پس از انقلاب اسلامی و به ویژه در دوره طالبان، سکوت مطلق در همه ساحات زنده‌گی و هرگونه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حکمفرما شد و همه افراد جامعه، به ویژه زنان از اساسی‌ترین، ابتدایی‌ترین و مسلم‌ترین حقوق خویش محروم ساخته شدند که ضرورت به گفتن و نوشتن ندارد.

و اما درین دوره اخیر که دوره های پس از شکست طالبان و برقراری حکومت‌های موقت، انتقالی و بلاخره انتخابی را احتوا مینماید، شاهد دو دور انتخابات ریاست جمهوری و دو دوره انتخابات شورای ملی بوده ایم. در این دو دوره وضعیت زنان چگونه بوده و چه دستاوردهایی به دست آمده است؟

در قانون اساسی و قانون انتخابات به وضعیت زن در افغانستان توجه گردیده و در فعالیتهای گوناگون به ویژه انتخابات، سهمی مناسب برای زنان در نظر گرفته شده است. چنانچه در ماده هشتاد و چهارم بند سوم قانون اساسی مصوب 4 جنوری 2004 نوشته شده است که یک ثلث اعضای مشرانو جرگه انتخابی است و پنجاه فیصد این یک ثلث باید از میان زنان تعیین گردد. در ولسی جرگه نیز از هر ولایت حداقل یک زن به حیث وکیل باید انتخاب گردند و تعداد عمومی آنان در مجلس مزکور کم از کم 25 درصد میباشد.

اینها امیدواریهای بزرگ و دستاوردهای چشمگیر در حیات زنان است. حال ببینیم که در این دو دور (15 و 16) شورای ملی، زنان چگونه به شورا یا پارلمان راه یافتند؟ در مجلس چگونه از حق خود و همجنسان خود دفاع کردند؟ و نقش شان تا چه حد در سرنوشت تصامیم و فیصله های شورا مؤثر و متباز بود؟

در دور اول (پانزدهم) پارلمان دیدیم که عده یی از زنان به پشتوانه عکسهای روتوش شده و نظرفریب احساسات جوانان محروم را برانگیخته، به کامیابی دست یافتند؛ عده یی با پشتوانه مردان تفنگ سالار و جنگ سالار کامیاب شدند؛ عده یی به لحاظ قومی و با پشتوانه رهبر همان قوم مربوط به پارلمان راه یافتند؛ عده یی به یاری اینجوهاى خارجی و داخلی، یونما و سفارتخانه ها و عده یی نیز به حمایت دولت به نام و امتیازات وکالت رسیدند.

این زنان چون به یاری مردان قدرتمند یا مؤسسات به پارلمان راه یافته بودند، ناگزیر در واکنشها، موضعگیریها و رأی دادن‌ها از حامیان خود پیروی کردند. این زنان در هیچ موردی نتوانستند با هم همصدا شوند و برای داعیه «زن» صدا برکشند. آنان نتوانستند حتی از حقوق همدیگر در داخل پارلمان حمایت نمایند، چه برسد به این که بتوانند در مسایل مهم مربوط به حیات و حقوق زنان افغانستانی کاری کنند.

در پارلمان دیدیم که ملالی جویا به تحریک حامیان غربی خود سروصداهای هنجار و ناهنجار را بالا کرد و طوطی‌وار یک جمله دیکته شده را بار-بار تکرار کرد تا جایی که با اعتراضات زنان و مردان پارلمانی مواجه شده، از پارلمان رانده شد. گرچه گفته‌ها و کرده‌های او نمایانگر دستوری و فرمایشی بودن او بود، اما آیا مردان دیگر پارلمانی کمتر از ملالی جویا گفتند و کردند؟ نه! عده‌یی از مردان پارلمانی سخنانی دور از اخلاق و عفت به زبان آوردند و خاکبادی تیره‌تر و غلیظ‌تر از ملالی جویا برپا کردند، اما نه تنها از پارلمان رانده نشدند، بلکه تا آخر خط همچنان با غرور و نخوتی فرعونانه نام «وکیل ملت» را یدک کشیدند و جزیی‌ترین کاری به نفع مؤکلین خود یا به نفع وطن ننمودند. تراژیدی غمناک‌تر دیگر اینکه در قانون احوال شخصیة اهل تشیع که عده‌یی از زنان بیدار و آگاه صدا بلند کردند و دشنامهای رکیک شنیدند، همان زنان پارلمانی وابسته به احزاب مشخص و مذهب مشخص، به جای جانبداری از آن صداها، حقیقتجو، به خلاف آن صداها فریاد کشیدند و حتی محکوم کردند.

در پروسه رأی اعتماد نیز دیده شد که مردانی بار بار امتحان داده و ناکام شده یا چهره‌های هنوز تثبیت نشده با آرای بلند به وزرات رسیدند، اما زنان به مراتب شایسته‌تر، پاک‌تر، صادق‌تر به آرمان ملت و وطن، رأی نیاوردند.

جالب این که خود زنان پارلمانی به زنان کاندید وزیر رأی نداده بودند، زیرا زنان اولین خصومت را نسبت به همجنس خود میورزند، چونکه حسادت شان نیز متوجه همجنسان است، نه مردان.

در دوره دوم (شانزدهم) نیز دیده میشود که روی چه ملحوظاتی زنان به مجلس سنا انتصاب شدند و یا به ولسی جرگه راه یافتند. این بار، حالت از دوره گذشته نیز فاجعه آمیزتر است. زنان دانشور، آگاه، دموکرات و متعهد، با ذرایع مختلف به ناکامی کشیده شدند و زنانی که به فلان رهبر قومی، فلان تفنگدار محلی و فلان سرمایه دار بزرگ وابسته گی داشتند، بدون شایسته گی و استحقاق به پارلمان راه یافتند.

گرچه در میان این زنان پارلمانی هنوز هم عده انگشت شماری از زنان متعهد به آرمانهای زنان و آرمانهای مردان زحمتکش افغانستان دیده میشوند، ولی افسوس که در این دوره هم صدای آنان خفه خواهد شد و بدتر اینکه مردم افغانستان همه را به یکسان قضاوت خواهد کرد و تر و خشک با یک آتش خواهد سوخت. به قضاوت رییس جمهور و انتخاب او باید آفرینها گفت که در میان صدها و شاید هزارها زن مشهور، کاردان، نخبه و با شخصیت کشور چه مهره های قلبی را توانست یا دوباره برگزیند یا تازه به معرفی بگیرد. اگر تشخیص همین است و گزینش همین، میتوان آینده پارلمان کشور را نیز از همین دم به روشنی دید که سیاهست و تاریکست و مایه افسوس.

حال فقط یک راه برای دفاع از زنان مظلوم و محکوم و اسیر افغانستان گشوده است و آن اینکه زنان پارلمانی ما کم از کم در مسایل مهم کشوری و به ویژه منافع و حقوق زنان کشور باهم همصدا شوند و قوانینی برای دفاع از حقوق مظلومان کشور که زنان نیز جزیی از آنان میباشد، وضع نمایند. اگر زنان پارلمانی ما همدست و همصدا

شوند، رأی آنان فوق‌العاده سرنوشت‌ساز و قاطع است و هیچ تصمیمی و تصویری بدون رأی متحدانۀ آنان نمیتواند گرفته شود یا عملی گردد.

امروز که جنایات و خشونتها علیه زن در افغانستان بیشتر از پیش شدت گرفته است و عاملان خشونت مصؤون از هر مجازاتی بدون احساس شرم، گناه یا ترس به اعمال وحشتگرانۀ خویش ادامه میدهند، اگر زنان پارلمانی ما باهم متحد نشوند و متحدانۀ در موضع دفاع از حقوق زنان کشور قرار نگیرند، نزد وجدان خود، ملت افغانستان و احزابی که آنان را به این قدر و منزلت رسانیده است، محکوم ابدی خواهند شد.

به امید اتحاد

رسالتمندانۀ زنان پارلمانی کشور

پایان